

نشانه‌ای از اعتماد به نفس نیست

درباره حلقه مفقوده حکمرانی که مانع از تصمیم‌گیری روشن می‌شود



رضا رئیس‌ی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

نیکولو ماکیاوللی، اندیشمند و فیلسوف سیاسی شهیر ایتالیایی، معتقد بود که مهمترین و کلیدی‌ترین مؤلفه موفقیت یک سیاستمدار در همه عرصه‌های زیست و کنش سیاسی در همه ازمه و اعصار، بهره‌مندی از فاکتور «شجاعت» و جسارت در تصمیم‌گیری و اعمال نظرات است. در طول چند سال اخیر که مشکلات و معضلات عدیده در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف معطوف و مرتبط با ساختار حکمرانی رخ نمایانده و کشور در حوزه‌های متنوع سپهر عمومی با ابربحران‌های پریسامدی دست به گریبان شده است، می‌توان نشانه‌های بارزی از نادیده گرفتن آن گفتار ماکیاوللی را در سطوح تصمیم‌گیری، ملاحظه و مشاهده کرد که در پیامد خود منجر به فقدان اعتماد به نفس نیز در اضلاع و اجزای حکمرانی شده و در نهایت با انباشت مزمن مسائل حل نشده، مواجه شده‌ایم و شرایط کشور به وضعیت کنونی رهنمون گشته است. مرور تصمیمات و عملکردها در برهه‌های مختلف و مقاطع متفاوت، دستمایه خوبی در این زمینه به ما ارائه می‌کند. بیش از دو دهه است که مسئله قیمت حامل‌های انرژی و به‌خصوص بنزین، روی میز مسئولان کشور در دولت‌های مختلف بوده و هیچ کارشناس و متخصصی نیست که اذعان و تصریح نداشته باشد که ادامه این وضعیت با مختصاتی چون مصرف بی‌رویه و قاچاق سوخت و هدررفت منابع و سرمایه ملی و مشکلات پیامدی دیگر، ممکن و میسر نیست. اما واکنش ساختار حکمرانی برای حل و فصل این معضل اساسی در ادوار مختلف چه بوده است؟ در اوایل دهه ۸۰، مجلس هفتم در یک اقدام پوپولیستی و در راستای جلب رضایت و حسن نظر مردم نسبت به خود، جلوی اصلاح تدریجی و گام به گام قیمت بنزین را گرفت. در دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی نیز، اصلاح قیمتی یک سو به و ناگهانی و بدون بسترسازی لازم و ترسیم یک نقشه راه جامع و آگاهی بخشی انجام شد و همین عدم توجه به پیوست‌های لازم، اصلاح قیمتی را ناکارآمد و بدون اثرگذاری پایدار کرد و در سال ۱۳۹۸ آن تبعات هنگفت اجتماعی را رقم زد. عدم شجاعت و فقدان اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری بهنگام و سنجیده، شش سال دیگر ماجرا را به درازا کشاند و اکنون پس از حدس و گمانه‌زنی‌های بسیار، دولت چهاردهم طرح تازه‌ای در این زمینه ارائه کرده است که اگرچه به سیاق دولت‌های قبلی دفعی و ناگهانی نیست؛ اما به نظر هم نمی‌رسد، حداقل در کوتاه مدت و میان مدت بتواند این معضل اساسی را در مسیر اداره و ارتقای بیهوده امور کشور حل و فصل کند و باز هم از همان فقدان شجاعت و اعتماد به نفس در حل و فصل مسائل کلان مبتلا به کشور رنج می‌بریم.

در حوزه سیاست خارجی نیز چه بپسندیم و چه نپسندیم، ارتباط وثیق و ارگانیک و فراتر از دیگر نقاط جهان با عرصه‌های مختلف و متکثر زیست اجتماعی و اقتصادی و شئون متعدد زندگی مردم یافته است؛ از همین موضوع فقدان جسارت در تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس رنج می‌بریم و دچار سردرگمی

ادامه از صفحه اول

ترامپ دولت مادورو را به تولید سازمان یافته مواد مخدر و قاچاق آن به خاک آمریکا متهم می‌کند و تحت عنوان «دفاع از امنیت ملی آمریکا» ونزوئلا را تحت شدیدترین فشارهای همه جانبه قرار داده است. ظاهراً ترامپ در گام نخست می‌کوشد تا با تشدید فشار علیه مادورو او را داوطلبانه به واگذاری قدرت و خروج از کشورش متقاعد کند. طبق گزارش رسانه‌های آمریکا، ترامپ و مادورو هفته گذشته تماس تلفنی بی نتیجه‌ای داشته‌اند. در این تماس، گویا مادورو خواهان مصونیت گسترده‌ای برای همکاران خود در دولت ونزوئلا شده اما ترامپ ضمن مخالفت با این درخواست خواهان خروج سریع او از کشورش شده است.

اگر فشارهای کنونی منجر به واگذاری قدرت از سوی مادورو نشود به احتمال زیاد، ترامپ با هدف سرنگونی او برای استفاده از زور آماده است. ترامپ برای عمل به وعده‌های انتخاباتی خود، قاعدتاً از وارد کردن آمریکا به جنگی طولانی و درازدامن پرهیز می‌کند. از همین رو، او امیدوار است که با چند حمله هوایی در کنار یک حمله زمینی محدود، به حکومت مادورو و ونزوئلا پایان دهد.

دولت بولیواری مادورو در میان مردم ونزوئلا قاعدتاً بدون حامی نیست و برخی از افسار اجتماعی که از توزیع پول نفت در سطوحی از جامعه بهره‌مند شده‌اند، از آن پشتیبانی می‌کنند. در مقابل، جمعیت مخالف دولت مادورو نیز پر شمار است. تضعیف پایه‌های دموکراسی و اقتصاد در کنار فشار فزاینده علیه شهروندان مخالف، افشاری از جامعه ونزوئلا را به اندازه‌ای ناراضی و خشمگین کرده است که برخی از آنان بدون پروا آمریکا را به سرنگونی دولت خود فرامی‌خوانند. نمونه‌ای از این ناراضیان ماربا ماچادو از رهبران اپوزیسیون ونزوئلاست که جایزه صلح نوبل سال جاری میلادی را به خود اختصاص داد. خانم ماچادو با چنان صراحتی از حمله نظامی آمریکا به ونزوئلا برای سرنگونی دولت مادورو حمایت کرده که مورد اعتراض بسیاری از محافل چپ‌گرا در سطح بین‌المللی قرار گرفته است.

در واقع صف‌آرایی موافقان و مخالفان دولت مادورو در داخل ونزوئلا، این پرسش را پیش می‌کشد که در کشوری با وجود چنین شکاف و اختلافی

هستیم و یک استراتژی مشخص و جامع در این زمینه نداریم و تکلیف خودمان را نمی‌دانیم. اگر قرار است، در مسیر منازعه و مواجهه سخت و نرم با دشمن خارجی گام برداریم، لازمه‌اش یک استراتژی است و اگر قرار است که مسیر تعامل و کاهش تنش را بییماییب، می‌بایست به نحوی دیگر فکر و عمل کنیم و نقشه متفاوتی طراحی کنیم. اگر جسارت و شجاعت در تصمیم‌گیری برای حل و فصل مسائل کلان، و راهبردی در سیاست خارجی را ضمیمه و چاشنی عملکردهای خود قرار دهیم؛ در هر دو وجهه تقابلی یا تعاملی، به طور قطع به یقین، نتایج متفاوتی از وضعیت امروز را شاهد هستیم و می‌توانیم به حل و فصل مسائل و این کلاف سردرگم رهنمون شویم. حتی طرف‌های مقابل اعم از دوست و دشمن ما نیز آن‌گاه تکلیف خودشان را می‌دانند که در مواجهه با ایران در هر دو سناریوی متفاوت چگونه عمل کنند و چه مساعدت یا مزاحمتی را در دستور کار قرار دهند. نتیجه‌اش آنکه مثلاً روسیه و چین که ۱۵ سال پیش علیه ما در تصویب قطعنامه شورای امنیت رای دادند، اگر پالس محکم و قاطعی از داخل دریافت می‌کردند، به دیگر نحو عمل می‌کردند، یا در ماجرای برجام هیچ‌گاه این پروسه طی نمی‌شد و از همان بدو کار طرف آمریکایی می‌فهمید قرار بر مشارکت و همکاری است یا ادامه وضعیت تخصاصی و همین است در مورد تئوریکای اروپایی که در برجام ماند اما هیچ‌گاه شریک فعال و مشارکت‌جو نبود و در نهایت هم به اسنپک متوسل شد. اشاره به این نکات، البته نافی غرایز و اهداف یا حسن نیت و بغض و کینه طرف‌های خارجی نیست؛ بلکه بیانگر این واقعیت است که ما در طول سالیان متمادی در هاله‌ای از ابهام طی طریق کرده‌ایم و از آن انسجام و قاطعیت لازم در تصمیم‌گیری‌های راهبردی فاصله گرفته‌ایم و به نحو استخوان لای زخم، کار را پیش برده‌ایم و مسائل را موقتی رفع و رجوع کرده‌ایم و اکنون در چنین وضعیتی قرار داریم.

در مسائل فرهنگی و اجتماعی نیز، فقدان جسارت و اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری‌های بهنگام و سنجیده در طول سالیان متمادی به انباشت مسائل انجامیده است و حل و فصل موضوعات را مرتب با هزینه‌های فراوان و اصطکاک‌های هزینه‌ساز و نالازم کرده است. نکاتی که می‌شود در بستری متوازن و تأملی با سطوح مختلف و متکثر جامعه در قالب سازوکارهای درون‌ساختاری و عرفی جامعه حل و فصل کرد؛ با دخالت‌های نابجا و فقدان شجاعت در عدم دخالت و واگذاری آن به متن و بطن جامعه، به مسائلی بفرنج و گاه ابربحران‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌کنیم. حال آنکه اگر اعتماد به نفس لازم را داشته باشیم و هر چیزی را به مثابه تهدید ماهیتی نبینیم، مسائل بسیار ساده‌تر از این حرف‌ها قابل حل هستند.

مخلص کلام آنکه بخش عمده‌ای از معضلات و مشکلات امروز گریبانگیر جامعه و ساختار حاکمیتی، برآمده و ملهم و معطوف به فقدان شجاعت و جسارت در تصمیم‌گیری‌های بهنگام و سنجیده در بزنگاه‌های حساس و کلیدی است. اکنون و تا هر زمان دیگری اگر بازنگری جدی در رویکردهای مجموعه تصمیم‌گیری و برونداد پروسه تکوینی قوه عاقله حکمرانی، جامه عمل نپوشد؛ نمی‌توان تغییر وضعیت و حل و فصل ابرچالش‌های مبتلا به جامعه و ساختار حاکمیتی را انتظار داشت.

در میان مردم، آیا به فرض سرنگون شدن دولت بر اثر یک حمله نظامی محدود، نوعی ثبات سیاسی تازه ظاهر می‌شود و یا آنکه ونزوئلا را غرق در بی‌ثباتی و جنگ داخلی خواهد کرد؟

پاسخ به این پرسش آسان به نظر نمی‌رسد اما مقام‌های کاخ سفید ظاهراً بر این گمانند که با حذف مادورو و تیم همراهش، نیروهای حامی او در سطح جامعه انگیزه خود را برای ایستادگی از دست می‌دهند و بدین ترتیب، نیروهای اپوزیسیون در سایه حمایت آمریکا می‌توانند خلأ قدرت را پر کرده و ثبات و نظم لازم را برقرار کنند. در این میان امانیت اقدام آمریکا در ونزوئلا با حقوق بین‌الملل نیز محل بحث کارشناسان است. روشن است که آمریکا در این باره چندان در قید قواعد و حقوق بین‌الملل نیست و خود رأسا در مقام مفسر و مجری این قواعد عمل می‌کند! این رفتار، برخی کشورها را نگران کرده است اما نه به اندازه‌ای که نگران سرنوشت دولت مادورو نشوند و بخواهند به حمایت از آن دست به تحریک در صحنه جهانی بزنند.

ونزوئلا حامیان اروپا قریص چندانی در صحنه بین‌المللی ندارد. این کشور گرچه از متحدان نزدیک روسیه و چین و از مدافعان بی‌چون و چرای سیاست‌های آن دو کشور در عرصه بین‌المللی است، اما پکن و مسکو تاکنون جز چند موضع‌گیری نه‌چندان شدید و مخفی یا آمریکایی دیگر را در جهت حمایت از دولت مادورو انجام نداده‌اند. از رفتار چین و روسیه چنین برداشت می‌شود که آنان در حوزه کارائیب منافع قابل توجهی برای خود تعریف نکرده‌اند و آماده هیچ نوع رویارویی با آمریکا بر سر سرنوشت این منطقه نیستند.

آنها در عوض به نوع رابطه خود با واشنگتن حساسیت بیشتری نشان می‌دهند. رهبران کرملین مشغول مذاکرات علنی و مخفی با آمریکا برای خاتمه دادن به جنگ اوکراین هستند و می‌کوشند تا با جلب رضایت ترامپ، او را به سمت فرمول صلحی به نفع خود ترغیب کنند. چینی‌ها نیز در اندیشه توافق اقتصادی با آمریکا هستند که جنگ تعرفه‌هایین دو کشور را به حداقل ممکن برساند.

با این وضع، مادورو در مواجهه با ایالات متحده حمایت چندانی از مسکو و پکن دریافت نخواهد کرد.

۳۵۷ مرگ در پایتخت

بررسی اظهارات رئیس اورژانس تهران درباره پیامدهای آلودگی هوا



پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

باران هم ناجی هوای پایتخت نشد. دانه‌های ریز باران نتوانست آسمان خاکستری پایتخت و شماری از کلان‌شهرهای ایران را شکست دهد یا پرده ضخیم آلودگی را کنار بزند. میلیون‌ها نفر همچنان در هوایی نفس می‌کشند که از حد استانداردها فاصله‌ای بسیار چشم‌گیر دارد؛ هوایی که نه تنها کیفیت زندگی را کاهش داده، بلکه جان بسیاری از ایرانیان به‌ویژه تهران‌نشینان را گرفته است. این اولین سالی نیست که ایران از آلودگی هوا رنج می‌برد. از آنجایی که مسئولان هم به سخنرانی و مصاحبه بسنده کرده‌اند ایرانیان سال‌هاست که از اواسط پاییز تا بهمن ماه منتظر آلودگی می‌نشینند؛ آلودگی هوایی که قرار نیست سایه‌اش را از سر ایران کوتاه کند. آلودگی هوا واقعیتی تلخ است که یک بحران مزمن را آشکار کرده: «آلودگی هوا در ایران مسئله‌ای نیست که با چند ساعت بارش باران یا تعطیلی‌های مقطعی حل شود.» «صرف سوخت فسیلی، ترافیک سنگین و فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل، تهران و کلانشهرهای ایران را به مخزنی از ذرات معلق تبدیل کرده است. خیابان‌ها شلایدپس از باران کمی شسته شده باشند، اما هوایی که میان برج‌ها و بزرگراه‌ها می‌چرخد همچنان مملو از آلایندگی‌هایی است که اثرشان بر ریه‌ها، قلب و سلامت عمومی و حتی جان شهروندانشان ایران خود را نشان می‌دهد و آنقدر آلودگی افزایش یافته که دیگر شاخص کیفیت هوا با بارش باران هم نوسان پیدا نمی‌کند و حتی باران هم توان مقابله با آن را ندارد. بررسی‌ها حاکی از آن است که بیش از نیمی از آلودگی هوای کلانشهرهای ایران ناشی از تردد خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده است؛ وسایلی که استانداردهای آلایندگی را پشت سر گذاشته و همچنان میلیون‌ها لیتر سوخت را در خیابان‌های پایتخت می‌سوزانند؛ اما این تنها بخش ماجرا نیست. نیروگاه‌ها، صنایع اطراف شهر، کامیون‌هایی که شبانه‌روز وارد شبکه بزرگراهی می‌شوند و همچنین مصرف خانگی در فصل سرما، همه و همه به موجی از آلایندگی‌ها دامن می‌زند که با نخستین لایه وارونگی مایمی، میان زمین و آسمان معلق می‌شود و مردم را گرفتار می‌کند.

متخصصان محیط‌زیست سال‌هاست هشدار می‌دهند که تکیه بر رویدادهای طبیعی یا تصمیم‌های کوتاه‌مدت نمی‌تواند بحران آلودگی هوا را کنترل کند، اما کوششی برای شتوا وجود نداشت و مصاحبه پشت مصاحبه و گزارش پشت گزارش تنها اقدام مسئولان در این سال‌هاست. البته با وقوع بحران آنها صرفاً به تعطیلی فکر می‌کنند؛ یعنی آسان‌ترین راهی که می‌توان انجام داد اما این تعطیلی‌ها هزینه بسیار سنگینی به کشور تحمیل می‌کند. مسئولان برای پاک کردن صورت‌مسئله از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کنند اما آلودگی هوا با مصاحبه و تعطیلی پاک نمی‌شود. دست به دعا برداشتن برای باریدن باران هم از جمله راهکارهای مسئولان است؛ مسئولانی که زمان پاسخگویی آمارهای غلط ارائه می‌کنند. درست همانطور که حبیب کاشانی در صحن علنی شورای شهر تهران اعلام کرد دادن آمار غلط و نادرست باب شده است و خواست که قوه قضائیه با آنهایی که آمار غلط می‌دهند، برخورد کند.

با تمام این تفاسیر و حتی بارش نم باران شاخص هوای تهران از ۱۶۵ و در کرج از ۱۵۰ پایین نیامده است. حال داشتن هوای پاک برای ایرانیان به‌ویژه پایتخت‌نشینان تبدیل به آرزو و حسرت شده است. تهران در سال ۱۴۰۳ تنها ۵ روز هوای پاک داشته و از ابتدای سال ۱۴۰۴ تاکنون ۶ روز هوای پاک را تجربه کرده است با این تفاوت که در سال ۱۴۰۴ تهران‌ها ۲ روز خطرناک (یعنی بدتر از بسیار ناسالم) را پشت سر گذاشته‌اند. اما در این میان مرگ است که در کشور جولان می‌دهد و آلودگی هوا را پنهان کرده و جان می‌ستاند.

بررسی سخنان پزشک‌ان و قالیباف در همایش دیروز

هشدار سران درباره خانواده‌ها

بر نقش بنیادین خانه، خانواده، محله و مدرسه در جهت‌دهی به افراد و جامعه گفت: «افراد در جامعه سلیقه‌ها و نظرات مختلفی دارند و ما باید تحمل این تفاوت‌ها را بیاموزیم. این قاعده در زندگی زناشویی و تعاملات سیاسی نیز صادق است. نباید به دلیل اختلاف‌نظر، یکدیگر را دشمن ببینیم.» پزشک‌ان تاکید داشت که «تفاوت نگاه‌ها به معنای ضدیت دیگران با ما نیست.»

او در ادامه با برشمردن دلایل لزوم اصلاح نظام آموزشی برای تاثیرگذاری بر جامعه، تمرکز بر آموزش حل مسائل و رویه‌رو شدن با مشکلات در زندگی، با ابراز افتخار از زندگی در جامعه‌ای مبتنی بر باورهای الهی، ابراز داشت: «با تهدید و امر و نهی نمی‌توان جامعه را تغییر داد. قرآن و احادیث تاکید می‌کنند که هرکس برای اصلاح جامعه قدم برمی‌دارد، ابتدا باید خود را اصلاح کند. پیام‌ها باید در رفتارمان دیده شود. اگر بتوانیم خود را اصلاح کنیم، الگوی خوبی برای جامعه خواهیم بود؛ الگویی که دیگران با اشتیاق از آن یاد خواهند کرد.»

رویکرد ما عبور از برابری به عدالت جنسیتی است

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس دیگر سخنران این اجلاسیه بود. رئیس مجلس در بخشی از صحبت‌های خود با بیان اینکه به لطف انقلاب اسلامی، زن ایرانی به عنوان معمار تمدن و محور تربیت، توانسته است کلان‌روایت‌های شرقی و غربی را در هم بشکند، گفت: به‌رغم تمام محدودیت‌ها، او تأیید کرده که می‌توان هم کانون خانه و خانواده بود و هم در بطن جامعه نقش آفرینی کلیدی



جان باختن ۳۵۷ نفرانی در ۸ روز آلوده اورژانس استان تهران اعلام کرد: «در هشت روز اخیر ۵۷ هزار تماس با اورژانس استان تهران برقرار شد، ۲۸ هزار ماموریت صورت پذیرفت که ۳۱ درصد از آن مربوط به آلودگی هوا است، در این مدت ۳۵۷ نفر جان باختند که می‌تواند آلودگی در آن نقش داشته باشد.» او به کمبودهایی اشاره کرد که می‌تواند تعداد جان‌باختگان تهرانی را افزایش دهد: «۴۰۰ پایگاه اورژانس و ۵۰۰ دستگاه آمبولانس در استان کمبود داریم و تمام همکاران در عملیات به صورت شبانه‌روز خدمت می‌کنند. اگر حتی یک دستگاه آمبولانس از چرخه عملیات خارج کنیم آسیب جبران‌ناپذیری دارد به همین منظور از دولتمردان تقاضا داریم کمبودها و چالش‌های اورژانس استان تهران را جدی بگیرند.» بررسی‌های تکان‌دهنده وزارت بهداشت درباره ابعاد مرگ‌میر ناشی از آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ حاکی از آن است که «در سال ۱۴۰۳، حدود ۸ هزار و ۹۷۵ مرد مرگ در کشور منتسب به مواجهه با ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون بوده که معادل ۱۶۱ مرگ در روز و حدود هفت‌مرگ در هر ساعت است.»

مصرف ۴۰۰ میلیون لیتر مازوت کم‌گورد

شبننا انصاری، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست روز گذشته با حضور در مراسم اختتامیه «نوزدهمین دوره جایزه ملی کیفیت ایران» گفت: «در دولت چهاردهم مازوت کم‌گورد به میزان ۴۰۰ میلیون لیتر برای اولین بار در چند نیروگاه کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

او به اقدامات صورت‌گرفته در کارگروه ملی هوا اشاره کرده و افزود: «میزان اسقاط خودروهای فرسوده در یک سال گذشته به ۳۵۰ هزار دستگاه رسید، رقمی بیش از مجموع ۲۰۰ هزار خودرو در هفت تا هشت سال پیش از آن پس از تصویب قانون هوای پاک در سال ۱۳۹۶، برقی‌سازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی شامل تاکسی‌ها و موتورسیکلت‌های کار در دستور کار قرار دارد، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر با تمرکز بر انرژی خورشیدی به بیش از ۵ هزار مگاوات رسیده است، رقمی بسیار فراتر از تمام ادوار گذشته با هدف کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و تنوع‌بخشی به سبد مصرف سوخت، همچنین کنترل آلایندگی‌های صنعتی از طریق فیلتراسیون و مدیریت آلایندگی‌ها و کاهش فرسوزی در صنایع و استان‌های نفتی به عنوان اولویت جدی دنبال می‌شود، اصلاح سازوکارهای معاینه فنی خودروها برای رفع مشکلات اجرایی نیز در دستور کار قرار دارد.» شبننا انصاری با اشاره به ضرورت تغییر پارادایم کیفیت، بر پیوند آن با پایداری محیط زیست، مسئولیت اجتماعی و تاب‌آوری سازمانی تأکید کرد و این رویکرد را ضرورتی ملی دانسته و گفت: «معیارهای محیط‌زیستی باید بخش پررنگی از ارزیابی کیفیت و استاندارد باشد. مدل جدید این جایزه با الهام از چارچوب ۲۰۲۵ پایداری محیط زیست، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تاب‌آوری سازمانی را در متن مفهوم کیفیت قرار داده است، رویکردی که کیفیت را از دایره محدود محصول و فرایند به عرصه وسیع تاثیرگذاری بر جامعه و محیط زیست گسترش می‌دهد. نگرش سنتی که محیط زیست را مانع توسعه می‌دانست منسوخ شده است. پایداری محیط‌زیستی تنها راه بقای صنایع در درازمدت است و صنعتی که نتواند خود را با محدودیت‌های اقلیمی، کمبود منابع آبی و الزامات کربن‌زدایی تطبیق دهد، دیر یا زود از چرخه رقابت حذف خواهد شد.»